هفت جهان

کاهش دستمزد بازیگران زن پس از ۳۴سالگی

تبعیض‌جنسیتی دامن «هالیوود» را هم گرفت

فیگارو . ترجمه: آینا قطبی‌یعقوبی

● هالیوود، حداقل برای زنان، دنیای بی‌رحمی است. تحقیقی که هفته گذشته در نشریه آمریکایی «جستار مدیریت» چاپ شد، نشان می‌دهد که دستمزد زنان بازیگر هالیوود، پس از ۳۴سالگی کاهش می‌یابد و این در حالی است که دستمزد بازیگران مرد با افزایش سن، رشد کرده و بالاتر می‌رود. محققان این پروژه دستمزد ۲۶۵بازیگر را در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار داده‌اند. پروفسور تیموتی جاج، یکی از نویسندگان این پژوهش در سایت یواس‌ای‌تودی دراین‌باره توضیح می‌دهد: «چهره یک مرد مسن می‌بایست که نوعی بلوغ و تشخص را به نمایش بگذارد، درحالی‌که چهره یک زن وقتی بیشتر مورد توجه و تقدیر قرار می‌گیرد که جوان باشد.» این تبعیض می‌تواند کاریکاتوری باشد که طرحی بزرگ‌تر را بازتاب می‌دهد. تیموتی جاج هالیوود را نمونه کوچک جامعه می‌داند و معتقد است: «هالیوود جهان کوچکی است که نشان می‌دهد در جامعه ما چه می‌گذرد. ما در جامعه نمایش زندگی می‌کنیم.» این پژوهش پس از بررسی دستمزدها به نتیجه این تبعیض پرداخته و توضیح می‌دهد که زنان هالیوود در چرخه ناهنجاری گرفتار می‌شوند که آنها را ناگزیر به سمت جراحی‌های زیبایی می‌کشاند تا هرچه بیشتر جوان بمانند و بتوانند به حیات شغلی خود ادامه دهند. از نیکول کیدمن تا دمی مور، از شارون استون تا مگ رایان، نادرند بازیگرانی که ۴۰سالگی را گذرانده و تسلیم دیکتاتوری «بوتاکس» نشده باشند. با این‌حال در سال ۲۰۱۳ این بازیگران زن بالای ۴۰سال هالیوود هستند که بر قله فیلم‌های پرفروش می‌درخشند و کاندیدای تقدیر و جایزه می‌شوند؛ بازیگرانی چون ساندرا بولاک ۴۹ساله و مریل استریپ ۶۴ساله که امسال برای هجدهمین‌بار کاندیدای اسکار شده، در صدر کاندیداتوری جوایز امسال قرار دارند و اگر به این فهرست جودی دنچ ۷۹ساله، کیت بلانشت ۴۴ساله و ایمی آدامز ۳۹ساله را هم بیفزاییم سهم زنان بالای ۴۰سال موفق امسال هالیوود بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. شاید وقت آن رسیده که استودیوهای فیلمسازی آمریکایی بفهمند که برای استعداد سنی وجود ندارد.

زیر آسمان فیروزه ای

زندگی هنرپیشه درگذشته روی پرده

«فیلیپ‌هافمن» همچنان «عطش مبارزه» دارد

نیما توسلی

● با گذشت ۱۰روز از مرگ«فیلیپ هافمن» هنرپیشه خبره هالیوود، برنامه فیلم‌هایی که او در حال بازی در آنها بود در حالتی از ابهام قرار گرفته است.«عطش مبارزه: زاغ مقلد (۲)»، از جمله فیلم‌هایی بود که هافمن قرار بود در آن به ایفای نقش بپردازد. این فیلم خود را برای اکران در سال ۲۰۱۵ آماده می‌کند. این در حالی است که بازی هافمن در«عطش مبارزه: زاغ مقلد (۱) به پایان رسیده و تنها هفت‌روز تا شروع فیلمبرداری قسمت دوم این فیلم باقی مانده بود که با مرگ هافمن در دوم فوریه همزمان شد. بر اساس اظهارات کادر فنی مجموعه فیلم‌های«عطش مبارزه»، نقش هافمن در این دو قسمت آخر یعنی«زاغ مقلد (۱) و (۲)» بسیار کلیدی و شاخص بوده و با وجود مرگ هافمن، آنها زمان اکران اولیه فیلم که نوامبر ۲۰۱۴ بوده و زمان پخش رسمی آن در ۲۰۱۵ را به تعویق نخواهند انداخت. فرانسیس لاورنس، کارگردان این مجموعه فیلم‌ها با اعلام تاسف عمیق و الکن‌بودن زبان در بیان احساسات از مرگ هافمن، شخصیت او را بسیار خارق‌العاده و او را شخصی بسیار مستعد در هنرپیشگی اعلام کرد. به‌جز او، سوزان کالینز، نویسنده فیلمنامه این مجموعه فیلم‌ها، جنیفر لارنس، هنرپیشه نقش اول زن این مجموعه فیلم‌ها و نینا جکوبسون و جان کیلیک، از تولیدکنندگان این مجموعه فیلم‌ها نیز اظهاراتی مشابه را بیان کردند. با وجود اعلام فیلمبرداری فیلم«عطش مبارزه: زاغ مقلد (۲)»، هنوز بازیگر جایگزین هافمن در قسمت پایانی مجموعه فیلم‌های«عطش مبارزه» اعلام نشده است. از آخرین فیلم‌هایی که هافمن در آن بازی کرده می‌توان به فیلم دیگری با عنوان«جیب خدا» با کارگردانی جان اسلتری نیز اشاره کرد که این فیلم نیز به پایان رسیده و اکران اولیه آن در جشنواره فیلم ساندنس صورت گرفته است. هافمن هنرپیشه شناخته‌شده و پرکاری بود. اولین فیلمی که او در آن به ایفای نقش پرداخت«بوی خوش زن» از فیلم‌های خوب معاصر بود و از دیگر فیلم‌های معروف او می‌توان به «لبوفسکی بزرگ»«پیچ آدامز»، «ماگنولیا»، «کوهستان سرد»، «پیش از آنکه شیطان بداند تو مرده‌ای»، و «مانی‌بال» اشاره کرد. به‌جز«کاپوت» که برای او جایزه اسکار را به‌همراه داشت، او سه نامزدی دیگر نیز در آکادمی برای فیلم‌های«جنگ چارلی ویلسون»، «شک»، و «استاد» داشته است. «جک به قایق‌سواری می‌رود»، تنها اثر سینمایی هافمن به‌مثابه یک کارگردان بود، اما کارگردانی چند اثر تئاتری را نیز انجام داده است. او در سال ۲۰۰۲ در تراژدی کمیک «عشق لیزا» که تنها برادرش گوردی نویسنده آن بود در نقش اول بازی کرد. روآوردن او به هنرپیشگی از ۱۷سالگی بود؛ زمانی که او به‌دلیل شکستگی گردن در مسابقات کشتی، این ورزش را ترک کرد و برای اولین‌بار در تئاتر مدرسه در سال ۱۹۸۴ بازی کرد.

امیرعباس زارع در در گفت‌وگو با «شرق»مطرح کرد

پشت‌پرده حذف موسیقی ایرانی از فیلم «حکیم»

امیرحسن سعیدی

فیلم «حکیم» (به آلمانی Medicus و به انگلیسی The Physician) از اولین روزهای بهمن با موفقیت در سینماهای آلمان و اتریش روی پرده است و به‌زودی پخش جهانی آن آغاز می‌شود. این فیلم را «فیلیپ اشتولزل» کارگردان نامدار آلمانی از روی رمانی به همین نام اثر نویسنده انگلیسی «نوا گوردون» ساخته است؛ یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های جهان که در سه‌دهه گذشته تقریبا به اکثر زبان‌های جهان از جمله فارسی و با عنوان «حکیم» ترجمه شده است. این رمان، داستان یک پزشکیار جوان انگلیسی (با بازی تام پاین) است که هزارسال پیش با تحمل سختی‌های بسیار خود را به اصفهان می‌رساند تا نزد بزرگ‌ترین پزشک آن روزگار حکیم ابوعلی‌سینا (با بازی بن کینگزلی) دانش پزشکی خود را تکمیل کند. صحنه‌های داخلی این فیلم در کلن آلمان و صحنه‌های خارجی مربوط به اصفهان، در مراکش فیلمبرداری شده است. از بازیگران اصلی فیلم هیچ‌کس ایرانی نیست جز تعدادی سیاهی‌لشکر و «یاسمین قاسمی» که به‌عنوان دستیار سوم، کارگردان را همراهی می‌کرد. اما هنگام ساخت فیلم در خبرها بود که یک گروه از موزیسین‌های ایرانی، نقشی اساسی در ساخت موسیقی آن دارند و حتی یک تصنیف ایرانی برای سکانسی که ابن‌سینا وارد دربار «علاءالدوله» حاکم اصفهان می‌شود، ساخته و اجرا شده است. تصاویری هم از این صحنه‌ها منتشر شد، ولی در نمایش این فیلم خبری از هیچ‌یک از این صحنه‌ها نبود. به سراغ «امیرعباس زارع» آهنگساز و نوازنده سه‌تار رفتیم تا ماجرا را از زبان او بشنویم:

«بن کینگزلی» در کنار گروه موسیقی ایرانی

بسیاری از ایرانیانی که به دیدار «حکیم» رفتند، منتظر صحنه‌ای بودند که ابوعلی‌سینا به دربار علاءالدوله می‌رسد، در حالی‌که گروه موسیقی درحال خواندن و نواختن هستند. شنیدیم که این سکانس فیلمبرداری هم شده بود؛ اما در اکران اثری از آن نیست. شما می‌دانید چرا این صحنه حذف شده است؟

بله، این‌روزها نه‌تنها دوستان ایرانی، حتی آشنایان آلمانی من هم تماس می‌گیرند و علت را جویا می‌شوند. اما راستش را بخواهید خودم هم به‌درستی دلیل حذف این سکانس را نمی‌دانم؛ چون همه کارها انجام شده و چند روز صرف فیلمبرداری آن شده بود.

اصلا این سکانس و ساخت موسیقی برای آن از کجا و چگونه شکل گرفت؟

من به‌وسیله خانم «سیمین قاسمی» دستیار سوم کارگردان در جریان کار قرار گرفتم. آن‌روزها فراخوانی در رسانه‌ها منتشر شده بود که برای این فیلم سیاهی‌لشکر می‌خواهند و تعداد زیادی از ایرانیانی هم که قبلا رمان را خوانده و می‌دانستند اصل ماجرا مربوط به ایران و حکیم ابوعلی‌سیناست، به این فراخوان پاسخ داده و مراجعه کرده بودند.

برای من هم کمک به موسیقی این اثر که به نوعی نشانگر عظمت ایران کهن بود و قرارگرفتن در کنار بازیگری چون «بن کینگزلی» موجب افتخار بود. با کارگردان در این مورد صحبت کردیم و قرار شد یکی‌دوجا از موسیقی ایرانی استفاده شود که من مشغول ساختن آنها شدم.

تنها بودید یا نوازندگان دیگری نیز شما را یاری می‌کردند؟

کار را من ساختم و در اجرای آن آرمان سیگارچی، بابک ماسالی و پیام نوروزی مرا یاری کردند.

صحنه به شکل زنده اجرا شد یا ضبط شده بود؟

دستیار اول کارگردان (کارگردان دوم) که عهده‌دار این سکانس بود، اعتقاد داشت که باید به‌صورت زنده اجرا و ضبط شود. یعنی ما بنشینیم و بزنیم و آنها فیلمبرداری و صدابرداری کنند. من مخالفت کردم و گفتم سازهای ایرانی به‌ویژه مانند عود و سه‌تار در آن هیاهو صدایشان گم می‌شود و بهتر است که ما موسیقی را در استودیو ضبط کنیم و هنگام فیلمبرداری پلی‌بک شود که با وجود مخالفت دستیار کارگردان، بالاخره نظر من از سوی فیلمساز پذیرفته شد.

قدری بیشتر از سکانس مربوط به ورود ابن‌سینا در مجلس طرب «علاءالوله» بگویید...

این سکانس یک‌دقیقه‌و ۳۰ثانیه طول داشت. عمله طرب و رقصندگان در حضور شاه بودند که ابن‌سینا (بن کینگزلی) وارد می‌شد و نزد شاه می‌رفت و می‌نشست. در این مدت دوربین روی تک‌تک سازها و نوازندگان متمرکز می‌شد که به‌نظر من برای معرفی موسیقی ایران بسیار کارساز بود ولی متاسفانه باوجود زحمات زیادی که برای آن کشیده شد، در فیلم نگنجید.

فکر می‌کنید چرا این اتفاق افتاد؟ برخی معتقدند که چون فیلم از روی یک رمان بلند ساخته شده و نیم‌ساعت هم از فیلم‌های معمولی بلندتر است، فیلمساز ناچار شده برخی از صحنه‌ها از جمله صحنه‌هایی از سفر به اصفهان و اجرای موسیقی را حذف کند، نظر شما چیست؟

ممکن است چنین باشد؛ اما راستش را بگویم که کارگردان دوم از همان هنگام که من زیر بار اجرای زنده نرفتم، سر ناسازگاری با ما را گذاشت. او که قبلا با من قرار گذاشته بود مشاور موسیقی فیلم باشم و با یاری من ۷۰درصد از نواهای موسیقیایی در سکانس‌های مربوط به اصفهان، نواهای ایرانی انتخاب شوند؛ پس از بحث مربوط به سکانسی که گفتم، نظرش برگشت و حتی شنیدم که پیش از پایان فیلمبرداری به خانم قاسمی گفته بود این صحنه در نسخه نهایی نخواهد بود. حتی شما می‌بینید که تمام موسیقی فیلم (ساخته لودویگ فرنزل) تقریبا موسیقی الکترونیکی است و از نواهای ایرانی در آن خبری نیست!

مگر شما قراردادی بابت این کار با تهیه‌کننده نداشتید؟

چرا داشتیم و مبلغ قراردادمان تمام و کمال پرداخت شد. حتی قرار شد در پایان فیلم من آلبومی هم به‌نام «مدیکوس» منتشر کنم که این کار را خواهم کرد. اما قراردادمان به گونه‌ای نیست که فیلمساز مجبور به استفاده از موسیقی ما در فیلمش باشد.

از کار و بازی در کنار «بن کینگزلی» بگویید، چگونه بود؟

آن بخش کار که عالی بود. دوروز کار گریم و لباس و فیلمبرداری طول کشید. چون پلی‌بک بود، در همه برداشت‌ها، صدای موسیقی ما در صحنه پخش می‌شد و کینگزلی آن را می‌شنید. به قدری از کار خوشش آمده بود که آمد و به ما گفت که چقدر موسیقی ایرانی و اجرای ما زیباست و اجازه داد که دقایق طولانی کنار او بایستیم و عکس بگیریم، در حالی که معمولا بازیگران بزرگ این کار را با عوامل دیگر فیلم انجام نمی‌دهند. آن صحنه‌ها را هم که پس از فیلمبرداری به ما نشان دادند، بسیار زیبا و عالی بود، حیف که در فیلم نیست.

کار بعدی شما چیست؟

من از کودکی به آلمان آمدم و به‌خاطر علاقه به موسیقی ایرانی از نوجوانی شاگرد استاد مجید درخشانی شدم. استاد مدتی است در ایران اقامت کرده و هربار که به آلمان می‌آیند، دیداری تازه می‌کنیم. چندی پیش با آقای «فور» مدیر فرستنده سوم رادیو غرب آلمان WDR3 که به پخش موسیقی اختصاص دارد، صحبت می‌کردم. ایشان پیشنهاد کرد که در فکر اجرای پروژه‌ای با عنوان «دیدار استاد و شاگرد» باشیم. طراحی این پروژه که قسمت اول آن دونوازی من با استاد درخشانی خواهد بود و بخش دوم کنسرتی با حضور یک خواننده و چند نوازنده از بانوان موزیسین ایرانی، انجام شده که امیدوارم در آینده‌ای نه‌چندان دور به مرحله اجرا برسد که در آن صورت ممکن است به صورت آلبوم صوتی و تصویری هم منتشر شود. منتظرم در سفر بعدی آقای درخشانی به آلمان، قرار نهایی را بگذاریم.

با حکم هیات رسیدگی به تخلفات ناشران

«نشر چشمه» رفع تعلیق شد

فرزانه ابراهیم‌زاده

عکس: حمید جاری‌پور

سرانجام بعد از گذشت دوسال‌ویک ماه و چند روز از تعلیق نشر چشمه بار دیگر، این ناشر فعالیت انتشاراتی خود را از سر می‌گیرد و کتاب‌های تازه از جمله آثار محمود دولت‌آبادی با نشان چشمه به بازار کتاب روانه خواهد شد. براساس خبری رسمی که از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی منتشر شده است، هیات رسیدگی به تخلفات ناشران بعد از وصول لایحه اعتراضیه مدیر نشر چشمه، هیات تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات ناشران پس از تشکیل جلسات کارشناسی و بررسی‌های لازم و با ملاحظه مجموع محتویات پرونده ضمن اعلام ختم رسیدگی، رای خود را صادر کرد، رأیی که به موجب آن نشر چشمه به دوسال تعلیق محکوم شده بود؛ دوسالی که البته از دی‌ماه سال ۹۰ تا امروز پشت‌سر گذاشت و بعد از ابلاغ آن به‌نظر می‌رسد بتواند بار دیگر فعالیت خودش را آغاز کند. هرچند که به نظر می رسد این حکم از اسفند جاری شود. البته با اینکه این حکم توسط روابط‌عمومی معاونت فرهنگی به رسانه‌ها ارسال شده است؛ علی شجاعی‌صایین، مدیرکل دفتر کتاب و کتابخوانی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه هنوز حکم به اداره کتاب نرسیده؛ گفت: «بر این اساس، هر کتابی که در نشر چشمه موجود است، بر اساس قوانین موجود بررسی و درباره آن جواب داده می‌شود.»

بنابر اعلام رسمی هیات تجدیدنظر، رسیدگی بر تخلفات ناشران وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی بخشی از رای صادره در مورد نشر چشمه به شرح زیر است: «رکن مادی در ارتکاب تخلف ناشران همانا اقدام عملی به نشر کتاب بدون اخذ مجوز از مرجع ذی‌صلاح و با نادیده‌گرفتن ضوابط ناظر به محتوا می‌باشد؛ بنابراین صرف ارایه اثر برای به جریان‌انداختن آن در چرخه قانونی انطباق به مقررات مربوطه مصداق تحقق رکن مادی تخلف انتظامی مزبور نبوده و نمی‌باشد؛ چه آنکه یگانه طریق ارزیابی و سنجش محتوایی اثر، ارایه آن به نهاد ذی‌صلاح می‌باشد و الا مستلزم دور و تسلسل باطل و نقض غرض در تولید فرهنگ مکتوب (کتاب) خواهد گردید. از سوی دیگر عبارت «مسوولیت حقوقی» به دلالت سیاق عبارتی «مسوولیت جزایی» و در ادنی مرتبه آن «مسوولیت انضباطی و انتظامی» بوده و قهرا نمی‌توان آثاری چون وضع و اجرای تنبیهات انتظامی بر آن بار نمود خصوصا آنکه واضع محترم در مقام بیان از تقریر مجازات سکوت اختیار نموده و امتناع ورزیده است. براساس رای این دادگاه و بنابر مراتب و با توجه به اینکه رعایت هنجارهای حوزه نشر مستلزم مراقبت لازم و کافی از سوی مدیر انتشارات است و به استناد لایحه مورخه ۹۲/۱۱/۵ مدیر نشر چشمه که مفادا حکایت از اهمال و تقصیر وی به این مضمون که «به‌دلیل درگیری‌های صنفی از نظارتم بر مجموعه نشر چشمه کاسته شده و قصد و غرضی از بروز مشکلات پیش‌آمده نداشته‌ام و کوشیدم تا با تطبیق خود با مصوبات ناظر به حوزه نشر دقت بیشتری در انتخاب کتاب‌ها و ارایه آنها به وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی داشته باشم... و مآلا منجر به انتشار برخی آثار غیر منطبق با ضوابط نشر گردید و با تعهد بر انجام این مهم در آینده می‌باشد؛ لذا ضمن نقض رای معترض عنه به استناد بند ۵ ماده ۶ آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات ناشران، نشرچشمه را به تعلیق موقت پروانه نشر به مدت ۲۴ماه محکوم می‌نماید که پس از انقضای آن با احتساب مدت سپری‌شده می‌تواند فعالیت خود را از سر بگیرد. رای صادره قطعی می‌باشد لیکن به استناد بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در مرجع فوق است.»

براساس این حکم با توجه به گذشت دوسال‌ویک‌ماه و چند روز از عدم‌دریافت کتاب از این ناشر؛ در صورت ابلاغ این حکم به اداره کتاب رفع تعلیق کامل از نشر چشمه خواهد شد و این ناشر بار دیگر می‌تواند فعالیت خود را از سر بگیرد. به دنبال انتشار این خبر حسن کیاییان، مدیر نشر چشمه با انتشار نامه‌ای با سپاسگزاری از وزیر فرهنگ‌وارشاد اسلامی و صالحی معاون فرهنگی وزیر که با درایت خود زمینه‌ساز هدایت پرونده نشر چشمه در مسیر قانونی و بررسی عادلانه آن شدند، آورده است: «از رییس، دبیر و دیگر اعضای هیات‌مدیره اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، روزنامه‌نگاران شریف رسانه‌ها، دوستان بزرگوارم، همکاران ناشر و کتاب‌فروشم نیز به دلیل تلاش‌ها و همراهی‌های‌شان سپاسگزارم. از صاحبان قلمی که در این مدت با وجود اتمام نسخ کتاب‌های‌شان بیش‌تر نگران ما بودند تا خود، پوزش می‌خواهم و تشکر می‌کنم. در این چند ماهی که از تصدی‌گری دولت جدید می‌گذرد، شاهد اقداماتی در راستای تسهیل فعالیت‌های فرهنگی بوده‌ام. عقل و انصاف حکم می‌کند که ضمن اذعان به این حسن‌نیتی که در رفتار مسوولان وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی دیده شده، بکوشیم تا تعامل حاصله را پاس داشته و به سهم خود بر دامنه آن بیفزاییم.»پروانه نشر چشمه دی‌ماه سال ۹۰ توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی وقت به همراه چند ناشر دیگر تعلیق شد و این وزارتخانه کتاب تازه‌ای را از این ناشر دریافت نکرد و حکمی به صورت شفاهی به این ناشر ابلاغ شده بود.

چهره روز

ناظری‌ها در کنار «دیپاک چوپرا» از مولوی می‌خوانند

● **شرق:** حافظ و شهرام ناظری و دیپاک چوپرا، آفریننده آلبوم معروف «هدیه عشق» فیلسوف هندی؛ اوایل فروردین‌ماه امسال کنسرت بزرگ موسیقی کلاسیک ایرانی را در آمریکا اجرا می‌کنند.

حافظ ناظری، ۹فروردین‌ماه سال آینده در تالار NOKIA THEATRE شهر لس‌آنجلس قطعاتی را اجرا خواهد کرد. در این کنسرت که با هدف معرفی فرهنگ و هنر اقوام کرد ایرانی برگزار خواهد شد، شهرام ناظری که سال‌ها در زمینه مولاناشناسی در ایران فعالیت دارد و دیپاک چوپرا که پیش از این موفق شده بود در کنار ستاره‌های ادب و موسیقی چون «مدونا»، «کولمن بارکز»، «دمی مور»، «گلدی هون»، «مارتین شین» و «لورا دی» آلبوم «هدیه عشق» را بر مبنای اشعار مولانا گرد آورد؛ او را همراهی خواهند کرد.

«سمفونی رومی» نام پروژه جدید حافظ ناظری است که در ادوار مختلف آن سعی دارد با ترکیب موسیقی ملی ایران و موسیقی کلاسیک غرب، گونه جدیدی از موسیقی را معرفی کند که می‌توان نام «موسیقی فراکلاسیک ایرانی» را روی آن گذاشت. نام این پروژه نمادی است از آمیزش فرهنگ شرق و غرب. واژه سمفونی نیز به‌عنوان سمبل فرهنگ موسیقایی غرب برگرفته از واژه سمفونیا و مولانا به‌عنوان اسطوره و سمبل فرهنگ مشرق‌زمین است. تازه‌ترین اثر حافظ ناظری با عنوان «بُعد یازدهم» اثر شماره یک «سمفونی رومی»، تا پایان بهمن‌ماه سال‌جاری به‌صورت بین‌المللی منتشر خواهد شد.

تصحیح و پوزش

در ویژه‌نامه سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر که در روز ۲۳بهمن منتشر شد، گفت‌وگویی با هومن سیدی با عنوان «حواشی را دوست دارم» انجام شده بود که این برداشت از جملات ایشان درست نیست. بابت این قصور از ایشان و مخاطبان گرامی پوزش می‌طلبیم.

موسسه خیریه بهنام دهش‌پور
حمایت از بیماران مبتلا به سرطان
Behnam Daheshpour Charity Organization

جشنواره نوروزی مؤسسه خیریه بهنام دهش پور

سال نو، به خیر

مجموعه فرهنگی ورزشی رفاهی تلاش - خیابان ولیعصر، نرسیده به چهارراه پارک وی
۶ الی ۹ اسفند ماه ۱۳۹۲ - ساعت ۱۰ صبح تا ۹ شب

NUXE PARIS
CAUDALIE PARIS
VICTORIA'S SECRET
Front Row Boutique
RAEES COFFEE
های کلین
حلوای عقاب
PAKAT
سپنتا پایدان پارس
نقش نویسا NAGHSH NEVISSA
PARKER
TALA TEA چای طلا
Tak MAKARON
یزدگل YazdGol
artehran
Kia Gallery
MONT BLANC
NESPERAN